



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه به جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد (M.A)
رشته حقوق خصوصی

عنوان

ریاست مرد بر خانواده در حقوق ایران و فقه امامیه

استاد راهنما: جناب آقای دکتر فرهاد پروین

اساتید مشاور:

سرکار خانم دکتر ناهید جوانمردی

جناب آقای دکتر فرج الله هدایت نیا

نگارش: وحیده حسینی

تابستان ۱۳۹۰

به نام حضرت دوست

ساکرم از او که هر چه هستم از او است

پاسکزارم از پدر عزیز و مادر مهربانم که همیشه و همواره مشوق من در تمامی مراحل زندگی بوده اند و

بانهایت پاس و قدر دانی

از استاد محترم راهنا، جناب آقای دکتر پروین که راهنایی ها و هدایت های صمیمانه می ایشان در تمامی مراحل نگارش پایان نامه

بمراه و همیار بنده بوده است و از سرکار خانم دکتر جوانمردی، استاد محترم مشاور که همواره با محبت و مهربانی در مسیر نگارش پایان نامه

بنده را از راهنایی های خویش بهره مند نمودند و از جناب حجه الاسلام والمسلمین آقای دکتر هدایت نیا، استاد محترم مشاور که با سعی

صدر در تمامی مراحل پاسخگویی سوالات و ابهامات مطروحه بوده اند و

از جناب آقای دکتر ولویون، استاد محترم داور که قبول زحمت نموده و داور می و ارزیابی پایان نامه را پذیرفتند.

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۵	اهمیت تحقیق
۷	اهداف تحقیق
۹	طرح سؤالات و بیان فرضیات
۱۰	روش تحقیق
۱۰	مشکلات تحقیق
۱۱	سازمان دهی تحقیق
۱۲	بخش اول: مفهوم ، ماهیت و مبانی ریاست مرد بر خانواده
۱۳	فصل اول: مفهوم ریاست مرد بر خانواده
۱۵	مبحث اول: مفهوم ریاست شوهر بر زن
۱۷	گفتار اول: قوامیت در معنای سیطره و برتری
۱۸	گفتار دوم : قوامیت در معنای سرپرستی و حمایت
۲۳	مبحث دوم : مفهوم ولایت پدر بر فرزند
۲۵	گفتار اول : انواع ولایت
۲۷	گفتار دوم : ولایت و حضانت
۲۹	گفتار سوم : ولایت و قیمومت

۳۰	فصل دوم : ماهیت ریاست شوهر
۳۰	مبحث اول : تفاوت حق با حکم
۳۳	مبحث دوم : حق یا حکم بودن ریاست مرد بر خانواده
۳۶	فصل سوم : مبانی ریاست مرد بر خانواده
۳۶	مبحث اول : ادله نقلی
۳۷	گفتار اول : قرآن کریم
۳۸	۱- شأن نزول
	۲- تفسیر آیه
	۳۹
۴۱	گفتار دوم : روایات
۴۳	مبحث دوم : دلیل عقلی
۴۴	گفتار اول : فروض عقلی متصور بر ریاست خانواده
۴۶	گفتار دوم : بررسی فرض ریاست مرد بر خانواده
۵۰	بخش دوم : شرایط ، قلمرو و آثار ریاست مرد بر خانواده
۵۱	فصل اول : شرایط ریاست مرد بر خانواده
۵۱	مبحث اول : اهلیت
۵۳	گفتار اول : عقل
۵۴	گفتار دوم : بلوغ
۵۶	گفتار سوم : رشد
۵۹	مبحث دوم : صلاحیت اخلاقی
۶۰	فصل دوم : قلمرو و گستره ریاست مرد بر خانواده
۶۰	مبحث اول : ریاست مردان بر زنان
۶۱	مبحث دوم : ریاست شوهر بر زن

۶۳	مبحث سوم : دامنه ریاست شوهر بر زن
۶۷	فصل سوم : آثار ریاست مرد بر خانواده
۶۷	مبحث اول : ریاست شوهر بر زن
۶۸	گفتار اول : ریاست شوهر و امور مالی زن
۷۱	۱- اجرت المثل زوجه
۷۴	۲- نفقه زن
۷۶	گفتار دوم : ریاست شوهر و امور غیر مالی زن
۷۶	۱- تعیین مسکن
۷۸	۲- خروج زن از منزل
۸۶	۳- اشتغال زن
۹۱	۴- تأدیب زن
۹۶	۱.۴. تقسیم بندی زنان در آیه ۳۴ سوره نساء
۹۹	۲.۴. بررسی ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی
۱۰۳	۵- تحصیل زوجه
۱۰۵	۶- خروج از کشور
۱۰۷	۷- تابعیت
۱۰۸	گفتار سوم : ضمانت اجراهای قانونی
۱۱۰	مبحث دوم : ولایت پدر بر فرزند
۱۱۰	گفتار اول : دامنه ریاست پدر بر فرزند
۱۱۵	۱- ولایت مادر
۱۱۷	۲- عزل ولی قهری
۱۱۷	گفتار دوم : ریاست پدر و امور مالی فرزند
۱۱۸	۱- اداره اموال و دارایی فرزند
۱۲۰	۲- نفقه فرزند

۱۲۲	گفتار سوم : ریاست پدر و امور غیرمالی فرزند
۱۲۳	۱- نظارت بر نگاهداری و تربیت فرزند
۱۲۷	۲- نظارت بر تأدیب و تنبیه فرزند
۱۲۹	۳- دخالت و نظارت پدر در ازدواج فرزند
۱۳۴	نتیجه گیری
۱۳۷	پیشنهادات
۱۴۱	منابع و مأخذ (فارسی)
۱۴۵	قوانین و مقررات و سایر منابع
۱۴۶	منابع و مأخذ (عربی)

مقدمه

از آن جایی که در تاریخ جهان مردان از همان ابتدا به برخی از حقوق انسانی و اجتماعی خویش دست یافته اند و به تعبیری امور جامعه بیشتر به دست مردان بوده و شاید به این دلیل احساس می شد که حقوق زنان توسط مردان ضایع شده است و به همین علت عده ای برای احیاء حقوق زنان به یک تفکر احساسی و انحرافی روی آوردند که نتیجه اش تقابل زن و مرد به جای تکامل آن دو است .

متأسفانه امروزه این تفکر انحرافی و احساسی در جوامع، خصوصاً جوامع غربی وجود دارد که سعی دارد زنان را با مردان مقایسه کند و همه رفتارها و حقوق مردان را به زنان تعمیم دهد بدون آن که توجه داشته باشد ، مردان نقطه تکامل بشریت نیستند و تلاش زنان برای تسخیر رفتارها و ویژگی های مردان، موجب تکامل آنان نخواهد بود زیرا که تکامل زن نسبت به مرد یک تکامل طولی در امتداد مردان نیست و زنان در طول مردان قرار نگرفته اند تا اگر زن به مرحله تکامل مرد رسید استیفاء کامل حق کرده باشد، بلکه تکامل آن دو نسبت به یکدیگر یک تکامل عرضی است یعنی هریک فی نفسه در طول خویش و در عرض دیگری با توجه به ویژگی ها ، توانایی ها و استعداد های خویش مسیر تکامل را طی می کند .

خداوند باری تعالی نیز در وجود هر انسانی چه زن و چه مرد ، ودیعه هایی نهاده و او را مکلف ساخته تا آن ودیعه ها را تعالی بخشد و به تکامل و عینیت برساند و قوانین و احکام و حقوق الهی برای زنان و مردان بر اساس حکمت الهی به نسبت ظرفیت های وجودی آنان پیش بینی گردیده است و زن و مرد بودن ملاک تقسیم و ارزش گذاری نیست؛ می توان گفت که افکار افراطی برپایه مفاهیمی چون تساوی و برابری ، فرق و تبعیض بنا گردیده است که به جهت روشن شدن ابعاد مختلف آن به بیان این مفاهیم می پردازیم. برابری و تساوی عبارتی است که با عناوین فرق و تبعیض به ذهن متبادر می شود و به معنی هم دوشی ، هم سنگی و مطابق هم بودن می باشد^۱ و نقطه مقابل تبعیض است.

شاید در ابتدا به ذهن متبادر گردد که بحث تساوی و برابری حقوق زن با مرد از رهگذر جامعه بین المللی و دول اروپایی به کشور های اسلامی من جمله ایران راه یافته است ، لکن باید گفت که اندیشه ی یکسانی و برابر ماهوی زن و مرد ، اندیشه ای قرآنی است و براساس قاعده کلی اسلامی همه ی انسان ها به اعتبار نوع انسان بودنشان و بدون توجه به جنسیتشان، دارای حقوق مساوی و برابر در جامعه اند همان گونه که پیشتر بیان گردید از نظر اسلام ، زن و مرد در حقیقت یکسان هستند.

۱. معین ، محمد ، فرهنگ فارسی ، تهران ، انتشارات امیر کبیر ، چاپ چهارم ، ۱۳۶۰ ش ، ج ۱ ، ص ۱۴۴۰ .

اسلام زن را عضو کامل و مستقل جامعه شناخته و از نظر کمالات مشترک انسانی فرقی بین زن و مرد قائل نشده و ملاک سعادت و برتری را تقوا و فضیلت دانسته است، "...ان اکرمکم عندالله اتقکم..."^۲ زن در جامعه اسلامی بر خلاف بسیاری از کشورهای غربی که زنان تا چندی پیش در آن جا از بسیاری از حقوق اولیه خود محروم بوده اند، می تواند مالک شود، در اموال خود تصرف کند، از خویشاوندانش ارث ببرد و حتی به طریق مشروع کسب و تجارت نماید، همان گونه که حضرت خدیجه^(س) فعالیت های اقتصادی وسیعی داشتند، چنان که صد ها نفر عامل وی بودند و حتی رسول خدا^(ص) نیز در دوران جوانی یکی از عوامل ایشان بودند؛^۳ پس اگر کار اقتصادی و تجارت برای زن اشکال داشت پیامبر خدا^(ص) با حضرت خدیجه^(س) همکاری نمی کرد و او را به همسری بر نمی گزید. در تفکر قرآنی زن همپای مرد تکامل پذیر و اوج گرا است، زن و مرد از نفس واحدی آفریده شده اند و همان طور که قبلاً بیان گردید قرآن کریم در آیات متعددی این واقعیت را بیان نموده است و برجایگاه انسانی زن و مرد به طور برابر و یکسان تأکید می ورزد و حتی در باب مجازات ها نیز اسلام کیفر بسیاری از جرایم را برای زن و مرد به نحو متساوی بیان نموده است. چنان که قرآن کریم مجازات مرد و زن دزد را با جمله "السارق و السارقه فاقطعوا ایدیهمما"^۴ قرین هم فرموده و در کیفر زنا، باز زن و مرد را با جمله "الزانیه و الزانی فاجلدوا کل واحد منهما مانه جلده"^۵ مساوی هم خوانده است. پس به نظر می رسد اسلام زن و مرد را در شخصیت انسانی به صورت مساوی و برابر می بیند لکن این بدان معنی نیست که یکایک اعضای جامعه انسانی در تمام امور با هم مساوی باشند و در این جاست که صحبت از فرق و تفاوت و تبعیض به میان می آید.

همان گونه که تا کنون بیان گردید زن و مرد در ماهیت وجودی یکسان هستند لکن از جنبه های بسیاری مانند جنبه های جسمی و طبیعی، روحی و روانی تفاوت های فاحشی با یکدیگر دارند که به تبع آن دارای حقوق و تکالیف، وظایف و مسئولیت های متفاوتی خواهند بود که البته این تفاوت ها جزو مقتضیات زندگی می باشد؛ لکن لازمه عدالت و حقوق فطری و انسانی زن و مرد، تشابه آن ها در حقوق و تکالیف نیست و آن چه در قوانین موجود است، در حقیقت تفاوت است و نه تبعیض و بی عدالتی زیرا که بی عدالتی، آن است که در شرایط مساوی و استحقاق های همسان بین افراد فرق گذاشته شود زیرا که فرق به معنای جدایی و تفاوت است و علی الاصول فرق عبارت است از آن که هر کس در جایگاه خودش با ویژگی ها و توانایی های خویش با شخص دیگری با توانایی ها و قابلیت های خاص خود متفاوت است و دارای فرق می باشد. تبعیض هم

۲. آیه ۱۳ سوره حجرات.

۳. محمدی اشتهاردی، محمد، نگاهی بر زندگی پیامبر اسلام (ص)، نشر مطهر، چاپ اول، ۱۳۷۸ش، ص ۴۹.

۴. آیه ۲۸ سوره بقره.

۵. آیه ۲ سوره نور.

در اصطلاح به معنای ترجیح بلامرّح بعضی بر بعضی دیگر است که نوعی ظلم محسوب می شود. پس با توجه به مفاهیم فوق می توان بیان کرد که تساوی شخصیت زن و مرد با تشابه کامل حقوق آنان ملازمه ندارد و عدالت همواره مقتضی تشابه نیست.

روح قرآن و اسلام همواره دعوت به عدالت است و عدالت همیشه از مبانی و اهداف احکام اسلام محسوب می شود ، حضرت علی(ع) می فرمایند: " العدل حياة الاحكام " ^۶ عدل مایه حیات احکام است و در قرآن کریم نیز بیان شده است: " ان الله يامر بالعدل والاحسان " ^۷ همانا خدا خلق را فرمان به عدل و احسان می دهد و " ... و ما الله يريد ظلماً للعباد " ^۸ و هر آن چه که از سوی خداوند تشریح شده، عادلانه بوده و خدا هیچ اراده ای از ظلم در حق بندگان نمی کند و به همین علت است که استاد شهید مرتضی مطهری ، بیان می دارد : " پس نه این است که آن چه دین گفته ، عدل است ، بلکه آن چه عدل است، دین می گوید . " ^۹ که به آن عدل گفته می شود ، زیرا که همانا عدل به معنی قرار گرفتن هر کس و هر چیز با توجه به قابلیت ها و استعداد هایش در جای و مکان خویش است.

پس در نتیجه می توان گفت که بر اساس طبیعت بشری و نوع خلقتی که زن و مرد دارند ، تفاوت اجتناب ناپذیری بین آن دو وجود دارد که عمده ترین علت تفاوت ، جنسیت می باشد که موجب فرق بین آن دو است نه تبعیض و همین تفاوت اقتضاء دارد که هریک در مواردی حقوق و تکالیفی متمایز از یکدیگر داشته باشند و این تفاوت در حقوق موجب امتیاز و برتری یکی بر دیگری نمی گردد و به نظر میرسد، که از دیدگاه شریعت اسلام حقوق زنان و مردان در اغلب موضوعات مشترک و مساوی بوده و در موارد باقی مانده، زن بنا بر مقتضیات و خصایص زنانگی و مرد به اقتضای خصایل شخصی مردی، دارای احکام و حقوق خاصی می باشند و با یکدیگر متفاوت هستند لکن هیچ کدام بر دیگری ترجیح داده نشده اند و این دو تنها در ارتباط با یکدیگر و جامعه با توجه به تفاوت هایشان ، متفاوت هستند یعنی تفاوت در نقش یا وظیفه دارند و شاید بتوان گفت که به طور کلی حقوق و مسئولیت های یک زن با حقوق و مسئولیت های یک مرد در مجموع مساوی است اگر چه ضرورتاً مشابه آن نیست و لزوماً تساوی با تشابه متفاوت است و اسلام تساوی را مطلوب و تشابه را مردود می داند. ^{۱۰} نمونه ای از این تفاوت های زن و مرد موضوع رساله اینجانب (ریاست مرد بر خانواده) می باشد که در ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی منعکس گردیده است، که با توجه به تأیید این موقعیت هماهنگ با فطرت برای مرد در قرآن

^۶ . خوانساری ، سید جمال الدین محمد ، شرح غررالحکم و دررالکلم ، قم ، انتشارات مؤمنین ، چاپ اول ، ۱۴۱۲ هـ ق ، ج ۱ ، ص ۲۱۱۶ .

^۷ . آیه ۹۰ سوره النحل .

^۸ . آیه ۳۱ سوره غافر .

^۹ . مطهری ، مرتضی ، بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی ، قم ، انتشارات صدرا ، چاپ یازدهم ، ۱۳۶۸ ش ، ص ۴۰ .

^{۱۰} . همان .

مجید^{۱۱} می توان گفت بسیاری از فقهای اسلامی و حقوقدانان با پذیرش بی چون و چرای این سمت برای مرد، به طرح مباحث قابل توجهی در این باره اهتمام نورزیند که در نتیجه سبب آن شده است که پژوهش جامع و کاملی پیرامون ابعاد این موضوع در فقه و حقوق اسلامی انجام نشود در حالی که با شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر جامعه ی امروز ایران، این موضوع نیازمند تحلیل های فقهی و حقوقی با رویکردهای جامعه شناختی و رفتاری و موردی بسیاری می باشد.

اهمیت تحقیق

در تاریخ تمدن بشر نوشتند که با تکامل و اجتماعی شدن زندگی انسان ، دوران مادر سالاری یا مادر شاهی به سر آمد و به تدریج سرپرستی خانواده در اختیار جنس مرد قرار گرفت و خانواده پدر شاهی به منزله واحدی اقتصادی و قانونی و سیاسی و اخلاقی شناخته شد^{۱۲} ، از سوی دیگر خانواده، اصلی ترین واحد حیاتی و هسته فعالیت های زیستی و بنیادین جامعه است و از آن به عنوان قدیمی ترین و مهمترین گروه اجتماعی بشری یاد می شود جایگاه اساسی و اهمیت اجتماعی و اقتصادی این نهاد اصیل اجتماعی باعث آن گردیده که همواره در کانون توجه علما و صاحب نظران قرار گیرد ، تا جایی که در بند سوم از ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر: " خانواده بعنوان رکن طبیعی و اساسی اجتماع معرفی شده و به آن حق داده اند که از حمایت جامعه و دولت بهره مند گردد " ^{۱۳} و از همین روست که اصل دهم قانون اساسی ضمن تاکید بر نقش بنیادین خانواده در جامعه اسلامی مقرر می دارد : " همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد ". مکتب الهی و انسان ساز اسلام نیز همواره خانواده را مورد توجهی خاص قرار داده است؛ به گونه ای که با قوانینی عادلانه و هماهنگ با فطرت، برنامه سعادت خانواده را ترسیم کرده است و افزون بر آن اصول اخلاقی و راهکارهای عاطفی بسیاری مانند مودت، مهربانی ، رحمت ، احترام، کرامت و رعایت مصلحت را بر آن استوار ساخته است تا تکامل معنوی و روابط خانوادگی خصوصاً رابطه زن و شوهر در آن به بهترین شکل سامان پذیرد و از این رو می توان گفت که، حقوق و قوانین کشور ما نیز به تبعیت از شریعت اسلام و فقه امامیه با توجهی خاص به حقوق زن و مرد که اعضای تشکیل دهنده اجتماع خانواده اند، هریک را به عنوان یک انسان و بدون توجه به جنسیت شان یکسان در حمایت قانون قرار داده اند، همان گونه که در اصل بیستم قانون اساسی قانون گذار بیان میدارد: " همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از حقوق

۱۱. آیه ۳۴ سوره نساء.

۱۲. ر.ک به ویل دورانت، تاریخ تمدن، (ترجمه: احمد آرام) ، تهران ، شرکت نسبی محمد حسین اقبال و شرکاء ، چاپ اول ، ۱۳۴۳ ش ، ج ۱ ، ص ۵۲ و ۵۳.

۱۳. به نقل از ناصرزاده، هوشنگ، اعلامیه های حقوق بشر، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش، ص ۱۵ .

انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. " و ماده ۹۵۸ قانون مدنی نیز مقرر میکند: " هر انسان از حقوق مدنی برخوردار خواهد بود ... "؛ البته چه بسا انسان هایی که با مشاهده تبعیض بین زن و مرد در جامعه، اسلام را مقصر قلمداد کنند و علت آن را تعالیم الهی اسلام بدانند، در حالی که در عمل چنین نبوده و نیست و اگر بعضی از مسلمانان در عمل افراط یا تفریطی در حقوق زن می نمایند نمی توان آن ها را به حساب اسلام یا قانون نوشت، زیرا آن چه که در جامعه در مورد حقوق زن و مرد انجام می گیرد موضوع می باشد و موضوع ممکن است منطبق بر حکم باشد یا نباشد، بدان علت که رابطه حکم که توسط شریعت اسلام و قانون بیان گردیده است با موضوع که مصادیق افراد جامعه می باشد، یک رابطه عموم و خصوص مطلق است. موضوع، موارد متعددی است که داخل در حکم است و حکم قاعده فراگیری باشد، پس نقض تعدادی از موضوعات حکم، نمی تواند در صحت حکم اختلال ایجاد کند و اگر در جامعه اعمال غیر عادلانه و غیر منصفانه ای نسبت به حقوق زنان مشاهده میشود نباید به اعتبار عمل اشتباه مسلمانان، حکم عادلانه اسلام مورد خدشه قرار گیرد در نتیجه میتوان گفت بسیاری از آن چه که در جامعه اسلامی مشاهده می شود عین اسلام نیست، به عنوان مثال آقایان در امر تعدد زوجات به جواز شرع استناد میکنند لکن شرایط آن را که همانا رعایت عدالت است غالباً نادیده می گیرند و چون هر فرد مسلمان قواعد اسلام را به نفع خود تصرف و تفسیر می کند در جامعه اسلامی شاهد معضلات بزرگی هستیم که بیش از پیش وظیفه خطیر نخبگان خواص جامعه خصوصاً فقها و حقوقدانان را پررنگ تر از گذشته نمایان می سازد تا با تبیین قواعد و احکام اسلام و بیان حقوق و تکالیف افراد جامعه اعم از زن و مرد، با توجه به شرایط و مقتضیات خاص اجتماع امروز ایران به حل معضلات و مشکلات افراط و تفریط گونه جامعه اسلامی ایرانی بپردازند تا دیگر شاهد بی عدالتی ها و تبعیض های بسیاری که در شأن جامعه اسلامیمان نیست، نباشیم. البته امید است که با درک صحیح احکام فقهی اسلامی، بتوانیم در این رساله گامی به جلو برداشته و به تبیین و بیان صحیحی از موضوعات مطروحه دست یابیم.

اهداف تحقیق

با توجه به مطالب بیان شده، تحقیق حاضر در جهت رفع کاستی ها و مشکلات موجود، اهداف ذیل را مد نظر دارد:

✓ تبیین مفهوم و ماهیت ریاست مرد بر خانواده و رفع شبهات مطروحه پیرامون آن.

✓ بیان مبانی عقلی و ادله نقلی سرپرستی مرد بر خانواده.

✓ تشریح گسترده و قلمرو ریاست مرد بر خانواده و بیان شرایط عهده دار شدن این موقعیت توسط مرد و ضمانت اجراهای نقض و حتی سؤاستفاده او از این سمت در خانواده.

✓ ارائه ی تصویری روشن از آثار گوناگون ریاست مرد بر خانواده و زدودن زنگارهای متعصبانه از آن.

افزون بر موارد فوق ، این نوشتار برخی اهداف کاربردی را نیز به دنبال دارد ، من جمله تلاش بر این امر که علاوه بر استفاده حقوقدانان و علما (قشر خاص) امکان استفاده و بهره‌وری عموم جامعه خصوصاً خانواده ها نیز از تحقیق پیش رو به جهت آگاهی بیشتر آنان و کاهش زمینه های اختلاف و نابسامانی در آن ها، وجود داشته باشد؛ که در رسیدن به این هدف بنا بر پیشنهاد استاد محترم راهنما در طی تحقیق با توجه به مقتضیات بحث و منابع در دسترس علاوه بر حقوق ایران و فقه امامیه عندالافتضاء به حقوق اقلیت های مذهبی ساکن ایران نیز توجه شده است ، زیرا که بحث ریاست مرد بر خانواده از آثار وقوع عقد نکاح می باشد و نکاح نیز جزو مسائل مربوط به احوال شخصیه است و به موجب قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم (مصوب ۱۰/۵/۱۳۲۰) " نسبت باحوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان بر سمیت شناخته شده محاکم باید قواعد و عادات مسلمة ی متداوله در مذهب آنان را جز در مواردیکه مقررات قانونی راجع به انتظامات عمومی باشد ... " را رعایت نمایند و اقلیت های رسمی مورد پذیرش قانون جمهوری اسلامی ایران، در اصول دوازده و سیزده قانون اساسی نام برده شده اند.

شایان ذکر است که اصطلاح " احوال شخصیه " که به معنی اموری که مربوط به فرد و عائله اش می باشد ، نزد فقهای اسلامی معروف نبوده است ، بلکه اصطلاحی است قانونی که در نتیجه تقسیم قوانین مدنی توسط حقوقدانان بر دو قسم احوال شخصیه و احوال عینیه متداول شده است و مسائل مربوط به احوال شخصیه مجموعه مسائل سه گانه ای را در بر می گیرد :

۱. مسائلی که به اهلیت و ولایت بر مال تعلق دارد ،

۲. موضوعاتی که متعلق به خانواده است ،

۳. اموری که وصایا و ارث را شامل می شود.^{۱۴}

۱۴. مغنیه ، محمد جواد ، احوال شخصیه (ترجمه و تبیین جزء دوم الفقه علی المذاهب الخمسه) ، (مترجمان: مصطفی جباری ، حمید مسجد سرائی ، تهران ، انتشارات ققنوس ، چاپ اول ، ۱۳۷۹ش ، ص ۱۹.

در پایان بیان این نکته ضروری به نظر می‌رسد که با توجه به چارچوب و سؤالات و فرضیه‌های اصلی تحقیق که به طور کلی بیان ماهیت، مفهوم، مبانی، شرایط و آثار ریاست مرد بر خانواده می‌باشد، علی‌الاصول بررسی که در حقوق اقلیت‌ها صورت خواهد پذیرفت پیرامون آثار و مصادیق ریاست مرد بر خانواده در این مذاهب می‌باشد، زیرا که پیرامون سایر ارکان تحقیق مانند ماهیت و غیره، بایستی به قانون حاکم بر جامعه و مذهب عموم مردم که مبنای صدور این قوانین و مقررات می‌باشد توجه نمود و در واقع همان گونه که از عنوان پایان نامه برداشت می‌شود؛ موضوع اصلی، بررسی حقوق ایران و فقه امامیه خواهد بود هر چند که در این بررسی با توجه به مطالب و مباحث، نظری نیز به قواعد و مقررات اقلیت‌های مذهبی ساکن ایران خواهیم داشت.

طرح سؤالات و بیان فرضیات

می‌توان گفت، مهمترین پرسش‌هایی که در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته، به شرح ذیل است:

۱. ریاست مرد بر خانواده، (زوج و فرزندان) دارای چه آثاری می‌باشد؟ (اصلی)
 ۲. ماهیت ریاست و سرپرستی مرد بر خانواده چه می‌باشد؟ (فرعی)
 ۳. بر مبنای کدام مبانی این موقعیت به مرد واگذار شده است و وی باید دارای چه شرایطی باشد؟ (فرعی)
- پیرامون پرسش‌های فوق که چارچوب شکل‌گیری تحقیق پیش‌رو هستند، فرضیه‌هایی بدین شرح محقق می‌گردد:

- ۱- ریاست شوهر بر زن مقید به رابطه زوجیت و در چارچوب مصالح خانواده است و نه تنها استقلال مالی بلکه استقلال اجتماعی زن را نیز بی‌دلیل متأثر نمی‌سازد لکن سرپرستی و ولایت پدر بر فرزندان فراگیر و عام است اما در این جا نیز "رعایت مصلحت و غبطه مولی علیه" عامل محدود کننده‌ی این اختیار گسترده‌ی پدر می‌باشد. (اصلی)

۲- سرپرستی و ریاست مرد چه در رابطه با همسر و چه در ارتباط با فرزندان یک تکلیف است ، لکن در ارتباط با زوجه با عنایت به برخی اختیارات ناشی از این اقتدار قانونی ، چهره ای از حق می یابد و در این قسم به صورت آمیزه ای از حق و تکلیف نمایان می شود. (فرعی)

۳- بر پایه مبانی عقلی ، خانواده به مانند هر اجتماع دیگری نیازمند مدیری توانا و سرپرستی لایق است که مقتضای خرد و مصلحت اندیشی ، این سمت را برعهده مرد خانواده (با فرض داشتن شرایط لازم) نهاده است ، البته شرع مقدس اسلام نیز هماهنگ با فطرت و آفرینش زن و مرد، بر این امر مهر تأیید زده است و برای تصدی این موقعیت ، مرد بایستی علاوه بر داشتن اهلیت قانونی از صلاحیت و توانمندی اخلاقی مناسب نیز بهره مند باشد. (فرعی)

روش تحقیق

نحوه ی گردآوری این نوشتار به صورت توصیفی و تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه ای و اینترنتی بوده است .

مشکلات تحقیق

به نظر می رسد مهمترین مشکل پیش روی تحقیق فوق سهل و ممتنع بودن آن است ، زیرا هر چند که علی الظاهر منابع لازم و کافی پیرامون آن موجود است لکن صاحب نظران علم حقوق هم چنان با دید غیر کاربردی و فاقد ارزش کافی جهت انجام پژوهش بدان می نگرند ، در حالی که در شرایط امروزه جامعه ایران که حضور زنان تحصیلکرده و شاغل و بعضاً سرپرست خانواده در اجتماع و محیط خانواده نسبت به گذشته چشمگیرتر شده است ، نیاز به تطبیق احکام مربوط به موضوع مطروحه با جامعه روز ایران بیش از پیش احساس می شود.

از سویی دیگر ویژگی خاص خانواده در عین اهمیت به سزای آن باعث گردیده که این اجتماع کوچک اما بسیار حیاتی؛ نهادی فراتر از یک سازمان حقوقی و بنا شده بر پایه عواطف ، احساسات و ارزش های اخلاقی باشد که از این رو حضور و تأثیر و نفوذ هنجارهای اخلاقی در خانواده بسیار پر رنگتر از قواعد امری و انعطاف ناپذیر حقوقی می باشد و علی الاصول همدلی ، همراهی ، توافق و اصول اخلاقی در شرایط عادی بهتر و مؤثرتر از مقررات حقوقی می تواند مشکلات و معضلات پیش روی خانواده را حل و فصل نماید. علاوه بر موارد بیان شده

فوق ، بدیهی بودن و منطبق بر فطرت و مذهب و قانون بودن این موضوع، سبب آن شده است که کمتر مورد توجه و عنایت واقع شود و عمدتاً درک نادرست مفهوم و ماهیت این وضعیت و موقعیت، در مجموع باعث گردیده تا تنها ماده پیرامون این موضوع در قانون مدنی (ماده ۱۱۰۵) جنبه شعاری و غیرکاربردی به خود بگیرد و کمتر مورد استفاده و استناد قرار داده شود و یا آن که دستاویز پاره ای افکار افراطی گردد و بدون توجه به نقش پایه ای ، مهم و حساس زن در خانواده و اجتماع ، محدودیت های بسیاری بر او تحمیل کرده و افکاری همچون سالاری پدر و یا سروری و یگانگی بی چون و چرای شوهر را رشد و ترویج دهد که متأسفانه عدم آشنایی و شناخت دقیق مبانی این موضوع باعث آن گردیده است که بسیاری از طرفداران نظریات فوق ، چنین جریاناتی را به مکتب عدالت آفرین اسلام ، نسبت داده و از این بی اطلاعی افراد سؤاستفاده و برداشت نمایند . مشکلات این چنینی سبب آن گردید که نگارنده با انتخاب موضوع فوق و مطالعه ی هماهنگ حقوق ایران و فقه امامیه ، ابعاد و خصوصیات این موضوع را به شکل صحیح بررسی نموده و پیرایه های افراطی و تعصبات ناروا را از آن بزدايد تا بتوان گامی هر چند کوچک در مسیر تحقق اهداف مورد نظر تحقیق برداشت.

سازمان دهی تحقیق

ساختار این تحقیق بر مبنای موضوع آن در دو بخش طراحی شده است، بخش نخست به بررسی مبانی و بخش دوم به تعیین قلمرو پرداخته است.

بخش اول با عنوان "مفهوم ، ماهیت و مبانی ریاست مرد بر خانواده" در سه فصل تنظیم گردیده است؛ فصل اول با عنوان "مفهوم ریاست مرد بر خانواده" به بیان مفهوم خانواده، ریاست ، ولایت و چارچوب آنها پرداخته و در فصل دوم تحت عنوان "ماهیت ریاست شوهر" به شناسایی ماهیت حقوقی ریاست مرد بر خانواده پرداخته است و فصل سوم با عنوان "مبانی ریاست مرد بر خانواده" به تبیین ادله نقلی و مبانی عقلی اختصاص یافته است . بخش دوم با عنوان "شرایط و قلمرو و آثار ریاست مرد بر خانواده" در سه فصل ارائه شده است؛ در فصل اول طی عنوان "شرایط ریاست مرد بر خانواده" شرایط برخورداري مرد از ریاست بیان شده و در فصل دوم " قلمرو و گستره ریاست مرد بر خانواده" دامنه و حدود ریاست مرد و در فصل سوم "آثار ریاست مرد بر خانواده" مصادیق و آثار مهم ریاست مرد در ارتباط با زوجه و فرزندان بیان و تشریح گردیده است .

بخش اول: مفهوم ، ماهیت و مبانی ریاست مرد بر خانواده

در این بخش طی سه فصل مجزا به بیان مفهوم ، ماهیت و مبانی ریاست مرد بر خانواده خواهیم پرداخت. مفهوم واقعی ریاست مرد بر خانواده از ظرافت خاصی برخوردار است و نبایستی به بیان معانی الفاظ بسنده نمائیم ، بلکه بایستی با دقت بسیار و توجه به معیارهایی مانند اوضاع و احوال و شرایط خاص حاکم بر خانواده ، مقتضای عقل و برداشت های اخلاقی به درک مناسبی از مفهوم این نوع ریاست برسیم. پس از مطالعه دقیق و بررسی مفهوم ریاست مرد بر همسر و فرزندان به تبیین ماهیت ریاست و این که آیا یک حق و اختیار قلمداد می شود و یا آن که به عنوان وظیفه و تکلیف شناسایی می گردد، خواهیم پرداخت و سپس به تشریح و بیان ادله قانونی، نقلی، نظری و عقلی که مبنای ریاست مرد بر خانواده در حقوق ایران و فقه اسلامی قرار گرفته اند، می پردازیم .

فصل اول: مفهوم ریاست مرد بر خانواده

عنوان ریاست مرد بر خانواده در ابتدا بسیار سهل به نظر می رسد لکن داراری ظرافت ها و پیچیدگی های خاصی است که امید است در طول این تحقیق بدان ها اشاره شده و مورد توجه قرار گیرند. در ابتدا به حکم عقل بایستی به درک مناسبی از مفهوم خانواده رسید تا به تبع آن بتوان زوایای دیگر موضوع را بیان نمود . خانواده در زبان فارسی به معنای دودمان ، تبار^{۱۵} ، خاندان و اهل خانه^{۱۶} آمده و در لغت عربی بعنوان اسره به

۱۵. دهخدا ، علی اکبر ، لغت نامه ، تهران ، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ، چاپ دوم ، ۱۳۷۷ش ، ج ۶ ، ص ۹۴۳۸.

۱۶. معین ، محمد ، فرهنگ فارسی ، پیشین ، ص ۱۳۹۴.

معنی سپر نگهدارنده و زره محکم^{۱۷} معنا شده است. تعریف اصطلاحی خانواده نیز به جهت تحول آن در طول تاریخ به راحتی ممکن نمی باشد، زیرا که خانواده امری عرفی و تابع معیارهای عرف است. خانواده در قانون مدنی و دیگر قوانین ایران هم تعریف نشده است ولی به طور کلی می توان برای آن یک معنای عام (گسترده) و یک معنی خاص (محدود) در نظر گرفت.

الف) خانواده گسترده: خانواده ای که علاوه بر زن و شوهر و فرزندان، پدر بزرگ و مادر بزرگ و دیگر بستگان نیز حضور دارند و به صورت بسیار نزدیک با هم زندگی می کنند و این گروه از یکدیگر ارث می برند پس ضابطه این نوع خانواده توارث (ارث بردن از یکدیگر) می باشد. البته می بایست این نکته را یادآور شد که خانواده در این مفهوم در قدیم رواج داشته است و در عصر جدید و جوامع امروزی این نوع اجتماعات غالباً تجزیه گشته و اهمیت خود را تا حد زیادی از دست داده است، به گونه ای که عرف امروزی از شنیدن واژه خانواده علی الاصول صرفاً خانواده محدود به زن و شوهر و فرزندان آنها را به ذهن متبادر می سازد. از این رو می توان گفت که آن چه امروزه مورد عنایت قانونگذار و علمای حقوق میباشد، خانواده در مفهوم خاص و محدود آن است. **ب) خانواده محدود:** خانواده ای متشکل از زن و شوهر و فرزندان تحت سرپرستی آنان است که معمولاً با یکدیگر زندگی می کنند و تحت ریاست مرد خانواده هستند و معیار و ضابطه ی تشکیل این خانواده همان ریاست مرد بر اعضای آن است که یک نوع وحدت و هماهنگی در امور خانواده ایجاد می کند و از آن یک گروه متحد و منسجم می سازد. در مکتب اسلام نیز خانواده به عنوان کهن ترین اجتماع انسانی شمرده می شود، زیرا که از آغاز آفرینش، انسان به صورت زوجی از مرد و زن (آدم و حوا) و در قالب خانواده قدم به گیتی نهاده است و از آیات متعدد^{۱۸} و روایات بسیار^{۱۹} چنین استنباط می شود که از منظر شرع مقدس، وجود زن و شوهری که میان آنان پیوند زناشویی برقرار گردیده، سرآغاز و رکن اساسی تشکیل خانواده می باشد و از این رو جمعهای نامشروعی همچون همجنس گرایان یا روابط بدون وقوع عقد نکاح، از دیدگاه اسلام هرگز خانواده محسوب نمی شود و قانون مدنی نیز به تبعیت از فقه غنی اسلامی چنین جمعهایی را داخل در معنا و مفهوم خانواده نمی داند. به نظر می رسد قانونگذار در ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی نیز، خانواده در این مفهوم را مد نظر داشته است و همان گونه که پیشتر بیان گردید با گسترش شهرنشینی و تحولات عمده اجتماعی و اقتصادی به تدریج خانواده ی گسترده تجزیه شده و به واحدهای کوچک تر یعنی خانواده هسته ای تبدیل شده اند به گونه ای که به نظر می رسد قسمت اعظمی از خانواده های امروز ایرانی، به صورت خانواده های محدود و هسته ای

۱۷. الفیروز آبادی، مجدالدین محمدبن یعقوب، قاموس المحيط، بیروت، دارالجیل، چاپ دوم، ۱۴۱۲ هـ.ق، ج ۱، ص ۳۷۷.

۱۸. رک به سوره بقره، آیه ۲ و ۱۰۲، سوره نساء آیه ۱، سوره اعراف آیه ۱۸۹، سوره نجم آیه ۴۵.

۱۹. رک الحرالعاملی، محمدبن الحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، داراحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۳۹۸ هـ.ق، ج ۴، ص ۲.

می باشند و پیرامون مفهوم ریاست مرد بر نهاد مهم خانواده میتوان گفت، در قانون مدنی در ماده ۱۱۰۵ عنوان شده است که در رابطه زوجیت ریاست خانواده از خصایص شوهر می باشد و از سوی دیگر در ماده ۱۱۸۱ قانون مدنی مقرر نموده است که پدر و جد پدری نسبت به اولاد خویش ولایت قهری دارند که به نظر می رسد ولایت پدر بر فرزند نیز از شقوق ریاست مرد بر خانواده است. پس میتوان گفت که ریاست مرد بر خانواده در دو قسم مطرح می گردد: ۱. ریاست شوهر بر زن (ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی) که در متون فقهی تحت عنوان قوامیت شوهر عنوان می گردد و ۲. ریاست پدر بر فرزندان (ماده ۱۱۸۱ قانون مدنی) که تحت عنوان ولایت قهری پدر بر فرزند مطرح شده است. پس در ابتدا به بررسی و شناخت مفهوم ریاست مرد بر خانواده در دو قسم مذکور می پردازیم.

مبحث اول: مفهوم ریاست شوهر بر زن

کلمه ریاست بر گرفته از رأس در لغت به معنای سروری ، سرداری ، بزرگی ، مهتری^{۲۰} و فرمانروایی، رهبری ، حکومت و فرماندهی^{۲۱} می باشد.

در فقه ریاست شوهر بر زن تحت عنوان قوامیت مرد بر زن بیان شده است که برگرفته از آیه شریفه ۳۴ سوره نساء می باشد.

"الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض و بما انفقوا من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغيت بما حفظ الله و اللاتي تخافون نشوزهن فعظوهن و اهجروهن في المضاجع واضربوهن فإن اطعنكم فلا تبغوا عليهن سبيلا ان الله كان عليا كبيرا "

" مردان سرپرست و نگهبان زنانند ، به خاطر برتری هایی که خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قردادده است و به خاطر انفاق هایی که از اموالشان می کنند و زنان صالح ، زنانی هستند که متواضع اند و در غیاب همسران خود اسرار و حقوق او را در مقابل حقوقی که خداوند برای آنان قرار داده حفظ می کنند و اما آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید پند و اندرز دهید و اگر موثر واقع نشد در بستر از آن ها

۲۰. معین ، محمد ، فرهنگ فارسی ، پیشین ، ص ۱۶۳۳.

۲۱. دهخدا ، علی اکبر ، لغت نامه ، پیشین ، ج ۸ ، ص ۱۲۴۵۳.

دوری نمائید (و اگر هیچ راهی جز شدت عمل نسبت به آن ها نبود) آن ها را تنبیه کنید و اگر از شما پیروی کردند ، راهی برای تعدی و ظلم بر آنان نجوئید و بدانید خداوند بلند مرتبه و بزرگ است (و قدرت خداوند بالاترین و برترین قدرت ها است).^{۲۲}

واژه " قوامون " جمع " قوام " صیغه مبالغه است و از ریشه " قام - یقوم " مشتق شده است و در لغت به معنای قیام و اشراف بر امر یا مال و ولایت امر آمده^{۲۳} و به حمایت و سرپرستی نیز معنا شده است.^{۲۴} قیام نیز از همین ریشه است ، به معنی کسی که بر امور چیزی یا کسی قیام کند و متولی آن شود و آن را اصلاح کند لکن قوام ابلغ و رساتر است، همان گونه که قرطبی مفسر اهل سنت در بیان مفهوم قوام عنوان می کند: " قوام بر وزن فعال به جهت مبالغه در قیام بر شیء و استقلال در تدبیر و اجتهاد در حفظ آن است." ^{۲۵} برخی از اهل لغت قوامیت شوهر بر زن را عهده دار شدن معونه و هزینه زندگی زن معنا کرده اند بدون آن که اشاره ای به قیام و اشراف مرد بر زن دانسته است.^{۲۶}

آراء و نظرات فقها در مورد مفهوم قوامیت بسیار پراکنده و مشتت است لکن صرف نظر از برخی جزئیات و تفاوت ها می توان دیدگاه های موجود را به دو قسم کلی دسته بندی نمود .

گروهی که قوامیت را در معنای سیطره، سلطه و برتری مرد بر زن می دانند و گروهی دیگر که قوامیت را به معنای سرپرستی، مدیریت و حمایت در نظر گرفته اند ، که طی دو گفتار پیش رو به بیان نظرات و استدلالهای هر کدام از آنان خواهیم پرداخت .

۲۲. مکارم شیرازی ، ناصر و دیگران ، تفسیر نمونه ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه ، چاپ سی و هشتم ، ۱۳۸۵ش ، ج ۳ ، ص ۴۱۱.

۲۳. مصطفی ، ابراهیم و دیگران ، المعجم الوسیط ، استانبول ، دارالدعوه ، ۱۹۸۹م ، ص ۷۶۸.

۲۴. قلعی جی ، محمد رؤاس ، الموسوعه الفقیهه المیسره ، بیروت ، دارالفنایس ، چاپ اول ، ۱۴۲۱هـ ق ، ج ۲ ، ص ۱۶۰۲.

۲۵. القرطبی ، محمد بن احمد ، الجامع لأحكام القرآن ، بیروت ، دار احیاء التراث العربی ، چاپ دوم ، ۱۴۰۵هـ ق ، ج ۵ ، ص ۱۶۹.

۲۶. المصری الآفریقی ، محمد بن مکرم ، لسان العرب ، بیروت ، دارالصار ، چاپ اول ، ۱۹۹۷م ، ج ۵ ، ص ۳۴۷.

گفتار اول: قوامیت در معنای سیطره و برتری

ابن کثیر دمشقی در بیان مراد آیه شریفه "الرجال قوامون على النساء" عنوان می کند: "مرد قیّم بر زن ، رئیس و بزرگ او و حاکم بر اوست و ادب کننده ی وی به هنگام کج روی و انحراف است."^{۲۷}

قرطبی هم می نویسد: "... قیام مردان بر زنان به این است که مرد عهده دار تدبیر امور زن و تأدیب او و نگه داری او در خانه و مانع خروج وی از منزل شود." ^{۲۸} بیضاوی نیز عنوان می کند: "... مردان بر زنان حکمرانی می کنند همان گونه که والیان بر رعیت حکمرانی می کنند." ^{۲۹} در تفسیر فخر رازی نیز آمده است: "مردان مسلط هستند بر تأدیب زنان و تسلط بر آنان مثل آن است که خداوند مرد را بر زن امیر و دارای نفوذ کلام قرار داده است." ^{۳۰}

این نمونه ای از دیدگاه مفسران و فقهای اهل سنت بود که می توان در مجموع بیان نمود که بسیاری از علمای سلف اهل سنت ، قوامیت و ریاست را به عنوان سیطره و برتری کامل مرد بر زن تبیین کرده اند که البته گروهی از فقها و مفسران امامیه که اکثراً جزو علمای سلف امامیه می باشند نیز چنین دیدگاهی را بیان نمودند : از آن جمله مرحوم طبرسی بیان می کند: "مردان قیام می کنند بر امر و نهی زنان همان گونه که حاکمان بر رعیت امر و نهی می کنند و به همین دلیل به آنها قوام گفته می شود." ^{۳۱} ایشان در جای دیگر می نویسد: "مردان قیّم زنان و مسلط بر آنها هستند در اداره کردن و تأدیب و..." ^{۳۲} فیض کاشانی در تفسیر این آیه می نویسد: "مردان قیام میکنند بر امور زنان همانند قیام والیان بر رعیت." ^{۳۳}

در تفسیر کنز الدقائق ^{۳۴} و تفسیر غریب القرآن ^{۳۵} نیز همین تعبیر آمده است. مرحوم مقدس اردبیلی نیز بیان کردند که قوامیت مرد بر زن همانند برتری و تسلط و الیان بر رعیتشان است. ^{۳۶}

۲۷. دمشقی ، اسماعیل بن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، بیروت ، دارالمعرفه ، چاپ اول ، ۱۴۱۲هـ ق ، ج ۱ ، ص ۵۰۳.

۲۸. قرطبی ، محمد بن احمد ، پیشین.

۲۹. بیضاوی ، تفسیر البیضاوی ، بیروت ، دارالفکر ، چاپ دوم ، ۱۴۱۰ هـ ق ، ج ۲ ، ص ۱۸۴.

۳۰. رازی ، فخر ، التفسیر الکبیر ، بیروت ، دارالمعرفه ، چاپ سوم ، ۱۴۰۴ هـ ق ، ج ۱۰ ، ص ۸۸.

۳۱. طبرسی ، فضل بن حسن ، تفسیر جوامع الجامع ، قم ، مؤسسه النشر الاسلامی ، چاپ اول ، ۱۴۱۵هـ ق ، ج ۱ ، ص ۳۹۵.

۳۲. طبرسی ، فضل بن حسن ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن ، بیروت ، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات ، چاپ اول ، ۱۴۱۵هـ ق ، ج ۳ ، ص ۷۹.

۳۳. فیض کاشانی ، مولی محسن ، تفسیر الصافی ، تهران ، مکتبه الصدر ، چاپ دوم ، ۱۴۱۶هـ ق ، ج ۱ ، ص ۴۴۸.

۳۴. مشهدی ، میرزا محمد ، تفسیر کنز الدقائق ، قم ، مؤسسه النشر الاسلامی ، چاپ اول ، ۱۴۱۰هـ ق ، ج ۲ ، ص ۴۴۱.

۳۵. طریحی ، فخرالدین ، تفسیر غریب القرآن ، قم ، انتشارات زاهدی ، چاپ دوم ، ۱۴۱۵هـ ق ، ص ۵۱۸.

۳۶. مقدس اردبیلی ، احمد بن محمد ، زبده البیان فی احکام القرآن ، قم ، انتشارات مؤمنین ، چاپ دوم ، ۱۳۷۸ ش ، ص ۶۷۷.